

بود. این داعش بود که برای نخستین بار آن را به کار گرفت»^{۳۴}. در واقع این سخن روآ درست نیست، و باید گفت که سلفیان جهادی از همان نخست دل در گرو خلافت آخرالزمانی داشته و دارند. عبدالسلام فرج که در نگاه خود روآ از مؤسسان سلفیه جهادی است^{۳۵} در کتاب «الفريضة الغائبة» به عنوان یکی از نخستین مکتوبات سلفیان جهادی از خلافة علی منهاج النبوة سخن می گوید^{۳۶}. درست است که داعش این مسئله را خیلی برجسته می کند، ولی این بدین معنی نیست که سلفیان جهادی پیش از داعش و مثلاً در القاعده نگاه آخرالزمانی نداشته‌اند.^{۳۷}

روآ در جای دیگری می پرسد: «اگر داعش در آستانه جنگ نهایی است چرا وقت خود را صرف تأسیس حکومت اسلامی کند»^{۳۸}. باز این جمله نشان می دهد که روآ با دال مرکزی گفتمان داعش، یعنی خلافت آخرالزمانی، و ترکیب آن با روایت‌های جنگ آخرالزمان و در رأس همه آن‌ها روایت جنگ دابق خیلی آشنا نیست.

شریعت

شگفتا که روآ در جای دیگری از کتاب خود می نویسد: «خیلی عجیب است که هواداران سازمان دولت اسلامی هرگز در مورد شریعت و تقریباً هرگز در مورد جامعه اسلامی که تحت حمایت داعش تأسیس خواهد شد سخنی نمی گویند»^{۳۹}. یا در همین صفحه می گوید «بر خلاف کسانی که هدفشان صرفاً هجرت است، جهادی‌ها، علاقه‌ای به زندگی در یک جامعه اسلامی ندارند. آن‌ها نه به هدف زندگی بلکه به هدف مرگ راهی خاورمیانه می شوند. تناقض این است: این رادیکال‌های جوان آرمان‌گرا نیستند، بلکه از آنجایی که هزاره‌گرا هستند می توان آن‌ها را در جرگه نهیلیست‌ها به شمار آورد»^{۴۰}.

در واقع این سخنان روآ با ویدئوها و مواد رسانه‌ای انبوه برجای مانده از داعش همخوان نیستند. واقعاً باید از تعجب روآ تعجب کرد، چراکه هواداران داعش جابه‌جا از شریعت و امت به مثابه جامعه اسلامی پس از تأسیس دولت اسلامی سخن می گویند که به دلیل انبوه اسناد از ارجاع به آن‌ها صرف نظر می کنیم.

رساله‌ای تحت همین عنوان نیز از ابن تیمیه برجای مانده، و آنچه از آن تحت عنوان عملیات انغماسی یاد می شود به خوبی نمایانگر این است که در پس چنین عملیات‌هایی اهدافی نظامی و دقیق وجود دارد، عملیات‌هایی ترکیبی و چندزمانه که اهداف نظامی خاصی را پیگیری می کنند و به گونه‌ای مزیت نسبی گروه‌های افراطی در پیکارشان به شمار می روند.^{۴۱}

خلافة علی منهاج النبوة

روآ در بحث آخرالزمانی داعش از نهیلیسم سخن می گوید، و همواره آخرالزمان و نهیلیسم را با یکدیگر ذکر می کند.^{۴۱} باز اینجا منظور روآ خیلی مشخص نیست، معلوم نیست چرا آخرالزمان را با نهیلیسم یکی می گیرد، آیا مسئله این است که با آخرالزمان مسلمانان که نه پایان بلکه آغاز یک دوره اوج است آشنا نیست و یا اینکه آخرالزمان داعش را نمی شناسد؟

روآ این گونه می نویسد: «اگر پایان نزدیک بود، رستگاری خود فرد بیش از تلاش برای خلق جامعه‌ای بهتر اهمیت می یافت. و این رستگاری از طریق مرگ فرد به عنوان کوتاه‌ترین و امن‌ترین مسیر حاصل می شد»^{۴۲}.

وی در جای دیگری می نویسد: «به نظر می رسد اینجا تناقضی رخ می دهد: تبلیغات ظفرمند داعش که بر بازگشت خلافت تأکید می کند چگونه با نگاه اساساً بدبینانه قریب‌الوقوع بودن آخرالزمان سازگار است»^{۴۳}.

از این جمله‌ها می توان فهمید که روآ آخرالزمان را پایان همه چیز تلقی می کند، با اینکه آخرالزمان در نگاه مسلمانان آغاز دوره مهدی است، و آخرالزمان در نگاه داعش و بسیاری دیگر مرتبط با گونه‌ای فلسفه تاریخ است که پايانش «خلافة علی منهاج النبوة» است، خلافتی آخرالزمانی که آغاز یک حاکمیت یوتوپایی است و در حدیثی منتسب به رسول خدا (ص) از آن سخن رفته و داعش آن را به عنوان دال مرکزی گفتمان خود استفاده می کند.

روآ در فصل مرگ و نهیلیسم هزاره‌ای سخنانی می گوید که نشان می دهد با نگاه آخرالزمانی گروه‌های سلفی جهادی آشنایی ندارد. وی می نویسد: «گفتمان آخرالزمانی جدید است و در القاعده غایب

کتاب واژه تخیل را تکرار می کند.^{۴۴} البته مترجم کتاب که اشتباهات مختلفی نیز در برگردان اعلام دارد به ما نمی گوید که این واژه تخیل ترجمه چه واژه‌ای از متن فرانسوی است، اما اجمالاً می توان گفت اگر منظور آن تخیلی باشد که ما می فهمیم، به نظر نمی رسد که داعشی‌ها صرفاً به آن مجهز شده باشند، بلکه بی شک ما با یک گفتمان سخت با کمترین انعطاف ممکن مواجه هستیم. در این بین روآ به درستی یک انتحاری را از بیماران روانی و حتی متعصبان جدا کرده و می نویسد: «رادیکال‌ها مدعی وفاداری به یک تخیل سیاسی هستند و همین کافی است تا آن‌ها را در جرگه افراد ناهنجار، متعصب یا بیمار روانی دسته‌بندی نکنیم»^{۴۵}. اما رویکرد آن انتحاری را به تخیل فرومی کاهد در حالی که ما با یک گفتمان منسجم و متصل روبه‌رو هستیم.^{۴۶}

مرگ کور

روآ برای توجیه نگاه خود، مرگ انتحاری را یک مرگ کور و بی هدف و صرفاً برای سعادت در آخرت و یا شفاعت خویشان تلقی می کند که البته بی شک این‌ها همه هستند، ولی این همه ماجرا نیست. روآ می گوید آنچه افراد را مسحور می کند نه آرمان شهر، بلکه طغیان مطلق است. وی همچنین خشونت داعش را فاقد هرگونه دورنمایی می داند.^{۴۷} اما به واقع این همه ماجرا نیست. روآ بدون توجه به اسناد مختلفی که در این باره وجود دارد این مرگ کور را بررسی می کند که به ابعاد مختلف آن خواهیم پرداخت:

عملیات انغماسی

روآ تلاش می کند برای توجیه این مرگ کور عملیات انتحاری داعش را در مقایسه با دیگر عملیات‌های تروریستی که از سوی دیگر جریان‌ها رخ می دهد یک عملیات انتحاری کور و بدون سود تلقی کند^{۴۸} و حتی عملیات انتحاری داعش را با عملیات استشهدای شیعی مقایسه کرده و عملیات استشهدای شیعه را دارای جنبه‌های نظامی و عملیات انتحاری داعش را فاقد جنبه نظامی تلقی کند.^{۴۹}

در اینجا مفهوم «الانغماس فی العدو» که